

..... ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

امیرالمومنین صلوات الله علیه داعی الی الله

توحید بدون ولایت اصلاً توحید نیست

قسمت شانزدهم؛ سحر یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۹۹

سوره صافات - آیات ۱۵۹ و ۱۶۰

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

منزه است خدا از آنچه مشرکان او را بدان وصف می کنند و داشتن فرزند را به او نسبت می دهند.

لیکن بندگان خالص شده برای خدا، که او را پرستش می کنند و دل به غیر او نمی بندند، خدا را به اوصافی که درخور اوست می ستایند

سوره مریم - آیه ۵۱

وَ اذْکُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

و در این کتاب (قرآن) داستان موسی را یاد کن، که او انسانی بود خالص شده برای خدا به گونه ای که هیچ کس و هیچ چیز در او نصیبی نداشت. او فرستاده خدا، و پیامبر بود

سوره یوسف - آیه ۲۴

وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا اَنْ رَاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَاءَ اِنَّهٗ

مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ

آن زن آهنگ یوسف کرد تا از او کام بگیرد، و یوسف نیز اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ آن زن می کرد. بدین سان برهان خود را به او نمایانیم تا گناه و زشتکاری را از او بازگردانیم، زیرا او از بندگان ما بود که برای ما خالص گشته بود

سوره ص - آیات 82 و 83

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

ابلیس گفت: به عزت تو سوگند که قطع همه انسان‌ها را به بیراهه می کشانم؛

مگر از میان ایشان آن بندگانت که برای تو خالص شده‌اند به گونه‌ای که نه من در آن بهره‌ای دارم نه غیر من

سوره احزاب - آیات ۴۵ و ۴۶

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً وَدَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً

ای پیامبر، ما تو را فرستادیم تا بر رفتار و کردار امت گواه باشی، و مؤمنان را به بهشت و پاداش‌های الهی مژده دهی، و کافران و گنهکاران را از عذاب دوزخ بترسانی.

تو را فرستادیم تا مردم را به اذن خدا به سوی او فراخوانی و در راهنمایی آنان به سوی سعادت چراغی تابان باشی

✓ اظهار عجز معصومین علیهم السلام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٦٨، ص: ٢٣

آنچنان که باید تو را پرستش نکردیم و آنچنان که سزاوار است تو را نشناختیم.

قال اميرالمومنين صلوات الله عليه: **اِحْتَجَبَ عَنِ الْعُقُولِ** كَمَا اِحْتَجَبَ عَنِ الْأَبْصَارِ

تحف العقول، النص، ص: ٢٤٥

از خرد و عقل نهان است، همچنان که از دیدگان ناپیدا.

إِلٰهِي لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ **لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ** عَلَى أَنَّ ذِكْرِي لَكَ بِقُدْرِي لَا بِقُدْرِكَ وَ مَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى أُجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ وَ مِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَى أَلْسِنَتِنَا وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَ تَنْزِيهِكَ وَ تَسْبِيحِكَ

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٩١، ص: ١٥١

حضرت زین العابدین علیه السلام در مناجات الذاکرین می فرماید: خدایا، اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشتتم از اینکه ذکر تو گویم، چه ذکر من تو را به اندازه کاستی من است نه برارنده کمال تو، شأن و اندازه من چقدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟ از بزرگ ترین نعمت ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست و اجازات به ماست که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گویم.

✓ تنها مبلغ توحید

أَخْبَرَنَا زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَسْبَاطُ، عَنْ فِطْرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَقِيمٍ، عَنْ سَعْدِ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ أَبَا بَكْرٍ بِنِزَاءَةٍ حَتَّى إِذَا كَانَ بِبَعْضِ الطَّرِيقِ أَرْسَلَ عَلِيًّا فَأَخَذَهَا مِنْهُ، ثُمَّ سَارَ بِهَا، فَوَجَدَ أَبُو بَكْرٍ فِي نَفْسِهِ، فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: «إِنَّهُ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي».

فضائل الصحابة، ج ۲، ص: ۷۴۲؛ سنن النسائي، ج ۵، ص: ۱۲۹؛ تفسير القمي، ج ۱، ص: ۲۸۲؛ علل الشرائع، ج ۱، ص: ۱۸۹؛ المسترشد في إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، ص: ۳۰۲؛ الأمالي (للمفيد)، النص، ص: ۵۶

رسول خدا صلی الله علیه وآله ابوبکر را برای ابلاغ سوره براءت نزد اهل مکه فرستاد. پس مسیر زیادی نرفته بود که امیرالمومنین علیه السلام را در پی او روانه کرد. نوشته را از او گرفت و آنرا به اهل مکه رساند. ابوبکر ازین حادثه ناراحت شد. پس رسول خدا فرمود: یا خودم و یا مردی که از من است باید ابلاغ میکرد.

إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَسَّ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ...

الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص: ۴۹۳ (زیارت آل یس)

هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خدای تبارک و تعالی و به سوی ما توجه کنید، پس بگویید چنان که خدای تعالی فرموده است:

سلام بر خاندان یس، سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا و آگاه به آیاتش، سلام بر تو ای درگاه الهی و سیاستمدار دینش...

✓ تنها مسير توحيد

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ
الْحَكَمِ وَإِسْمَاعِيلَ ابْنَيْ حَبِيبٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
بِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ١٤٥

خداوند تنها به واسطه ما عبادت، و به واسطه ما شناخته شد. و به واسطه ما یگانه و
یکتا دانسته شد؛ و مجد صلی الله علیه وآله واسطه میان خالق و مخلوق است.

✓ شرط توحيد

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَقِيلٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
رَاهَوِيهِ قَالَ: لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنَيْسَابُورَ وَ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى
الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ فَقَالُوا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرَحَّلْ عَنَّا وَ لَا تُحَدِّثْنَا
بِحَدِيثٍ فَتَسْتَفِيدَهُ مِنْكَ وَ كَانَ قَدْ قَعَدَ فِي الْعَمَارِيَّةِ فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى
بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ
سَمِعْتُ أَبِي عَلِيٍّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ سَمِعْتُ
أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ
سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي
أَمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.

التوحيد (للصدوق)، ص: ٢٥

خداوند ﷺ می فرماید: "لا اله الا الله" دژ من است؛ پس هر کس در دژ من درآید از عذابم در امان است. چون مرکب به راه افتاد امام رضا علیه السلام فرمودند: البته با شرائیش، و من از جمله شرائط آنم.

✓ ارکان توحید

أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اضْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَازْتَصَّأَكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ بِنُورِهِ وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ أَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَرَاجِمَةً لِيُوحِيهِ **وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ** وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ...

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۶۱۱

در زیارت جامعه کبیره می گوئیم:

... و گواهی می دهیم که شما یید پیشوایان راهنما، راه یافته، معصوم، مکرم، مقرب پرهیزگار، راست گو، برگزیده، فرمانبردار خدا، قیام کننده به فرمانش، عمل کننده به خواسته اش، دست یافته به کرامتش؛ شما را با دانشش برگزید و برای غیبش پسندید و برای رازش انتخاب کرد و به قدرتش اختیار کرد و به هدایتش عزیز نمود و به برهانش اختصاص داد و برای نورش برگزید و به روحش تأیید فرمود و شما را پسندید برای جانشینی در زمینش و دلایل محکمی بر مخلوقاتش و یاورانی برای دینش و نگهبانانی برای رازش و خزانه دارانی برای دانشش و محل نگهداری برای حکمتش و مفسران وحی اش **و پایه های یگانه پرستی اش** و گواهی بر خلقش و پرچم هایی برای بندگان و مراکز نوری در کشورهایش و راهنمایانی بر راهش...

✓ کرامت در اوج مظلومیت

كان للحسن بن علي عليهما السلام شاة تعجبه، فوجدها يوما مكسورة الرجل، فقال للغلام: من كسر رجلها؟ قال انا. قال: لم؟ قال: **لاغمنك قال الحسن: لافرحنك**، انت حر لوجه الله تبارك وتعالى.

الخوارزمي، ابي المؤيد الموفق بن احمد المكي، مقتل الحسين عليه السلام، ج ١، ص ١٨٥. المحقق: محمد السماوي، تصحيح: دار انوار الهدى، دار النشر: منشورات دار الهدى، الطبعة الاولى، قم - ايران، ١٤١٨ ق.

امام حسن عليه السلام گوسفندي داشت که موجب خرسندي ايشان بود، روزي ديد که پاي اين حيوان شکسته است، به غلام فرمودند: چه کسي پاي او را شکسته است؟ غلام گفت من. سوال کرد: چرا؟ گفت چون مي خواستم شما را غمگين بسازم. امام حسن عليه السلام فرمود: اما من تو را خوشحال مي کنم، در راه خداوند متعال آزاد شدي.

قال: أخبرنا عبيد الله بن موسى. قال: أخبرنا شداد الجعفي. عن جدته أرجوانة. [قالت: أقبل الحسن بن علي و بنو هاشم خلفه و جليس لبني أمية من أهل الشام فقال: من هؤلاء المقبلون؟ ما أحسن هيئتهم!! فاستقبل الحسن فقال: أنت الحسن بن علي قال: نعم قال: أ تحب أن يدخلك الله مدخل أبيك. فقال: ويحك. و من أين؟ و قد كانت له من السوابق ما قد سبق. قال الرجل: أدخلك الله مدخله فإنه كافر و أنت. فتناوله محمد ابن علي من خلف الحسن فلطمه لطمه لزم بالأرض. فنشر الحسن عليه رداءه و قال: عزمة مني عليكم يا بني هاشم لتدخلن المسجد و لتصلن. و أخذ بيد الرجل فانطلق إلى منزله فكساء حلة و خلى عنه]

الطبقات الكبرى(الطبقة الخامسة من الصحابة)، ج ١، ص: ٢٨٢

چون امام حسن عليه السلام به همراه جمعی از بنی هاشم می آمدند، مردی اموی و از اهالی شام جلوی امام را گرفت و با جسارت گفت: تو حسن فرزند علی هستی؟ حضرت

پاسخ مثبت دادند. مرد شامی گفت: آیا می خواهی خدا تو را به عاقبت پدرت مبتلا کند؟ امام فرمودند وای بر تو ! کدام عاقبت در حالیکه او دارای فضائلی بسیار است؟ مرد شامی جسارت کرد (ترجمه این فقره میسور نیست!) در این هنگام محمد با او برخورد کرد و او را به زمین کوبید. بلافاصله امام عبایش را بمنظور حفاظت روی او انداخت و فرمود: شما را به خدا سوگند میدهم ای بنی هاشم که وارد مسجد شوید و نماز بگذارید (و او رها کنید) . امام دست مرد شامی را گرفتند و به منزل خود برده و او را لباسی زیبا پوشاندند و رهایش کردند.

✓ تولى شيعيان

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُتَيْبِيُّ، عَنْ أَبِي عَاصِمٍ، عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: شِيعَتُنَا جُزْءٌ مِّنَّا، خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طِينَتِنَا، يَسُوؤُهُمْ مَا يَسُوؤُنَا، وَيَسْرُهُمْ مَا يَسْرُنَا، فَإِذَا أَرَادَنَا أَحَدٌ فَلْيَقْصِدْهُمْ فَإِنَّهُمْ الَّذِينَ يُوَصِّلُ مِنْهُ إِلَيْنَا.

الأمالی (للطوسی)، النص، ص: ۲۹۹

شیعیان ما جزئی از ما هستند که از زیادی طینت ما خلق شده اند، آنچه باعث ناراحتی ما می شود آنان را ناراحت می کند و آنچه ما را شاد می کند آنها را مسرور می سازد ، پس هر گاه کسی اراده تقرب ما را نماید باید آنها را قصد کند زیرا از راه آنان به ما میرسد.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ: تَقَبَّضْتُ بَيْنَ يَدَيْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَبِّمَا حَزَنْتُ مِنْ غَيْرِ مُصِيبَةٍ تُصِيبُنِي أَوْ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِي حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ أَهْلِي فِي وَجْهِهِ وَصَدِيقِي فَقَالَ نَعَمْ يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَانِ وَاجْرَى فِيهِمْ مِنْ رِيحِ رُوحِهِ فَلِذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ فَإِذَا أَصَابَ رُوحاً مِنْ تِلْكَ الْأَرْوَاحِ فِي بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ حُزْنٌ حَزَنْتَ هَذِهِ لِأَنَّهَا مِنْهَا

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۶۶

جابر جعفی گوید: در محضر امام باقر علیه السّلام بودم که دلم گرفت، بحضرت عرضکردم: گاهی بدون اینکه مصیبتی بمن رسد یا ناراحتی بسرم ریزد، اندوهگین میشوم تا آنجا که خانواده و دوستم اثرش را در رخسارم مشاهده کنند، حضرت فرمود:

آری ای جابر! خدای عز و جل مؤمنین را از طینت بهشتی آفرید و از نسیم روح خویش در آنها جاری ساخت، از این رو است که مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است، پس هر گاه بیکی از آن ارواح در شهری اندوهی رسد، آن روح دیگر اندوهگین شود، زیرا از جنس اوست.

